

خوب من سلام
خدای

قصصنا



۳

جنگیل خان

جمع کنید بروید،
من خیلی بزرگ شدم

نویسنده: عباس قدیر محسنی
تصویرگر: محمدرضا دوست محمدی



ناشر: خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!



سرشناسه: قدیرمحسنی، عباس، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور: جمع کنید بروید، من خیلی بزرگ شدم
نویسنده: عباس قدیرمحسنی؛
تصویرگر: محمدرضا دوست‌محمدی؛
ویراستار ادبی: حبیب یوسف‌زاده؛
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص. مصور: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست: قصه‌های جیگیل‌خان؛ ۳.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۷۸-۲
شابک دوره: ۸-۲۷۶-۲۷۴-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: داستان‌های طنزآمیز فارسی - قرن ۱۴
موضوع: Humorous stories, Persian - 20th century
شناسه‌ی افزوده: دوست‌محمدی، محمدرضا، ۱۳۵۵-، تصویرگر
شناسه‌ی افزوده: Doost Mohammadi, Mohammad Reza
رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۵۷
رده‌بندی دیویی: ۸۳/۶۲
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۷۱۵۸۱۲
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیپا
۷۱۷۰۶۰۱

قصه‌های جیگیل‌خان

جمع کنید بروید، من خیلی بزرگ شدم

نویسنده: عباس قدیرمحسنی
تصویرگر: محمدرضا دوست‌محمدی
دبیر تألیف: علی‌اکبر زین‌العابدین
مدیر هنری: علیرضا پورحنیفه
ویراستار ادبی: حبیب یوسف‌زاده
ویراستار فنی: فرناز وفاپی دیزجی
طراح گرافیک متن: مجید کاظمی
طراح جلد: نیلوفر مرادی
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۷۸-۲
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
لیتوگرافی: نقش سبز
چاپ: نور حکمت
صحافی: تیرگان
قیمت: ۶۹۰۰۰ تومان



۰۲۱-۶۳۵۶۴

کلیدی حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است



۳۰۰۰۶۳۵۶۴

kids@porteghaal.com

www.porteghaal.com



porteghaalpub

تقدیم به

همسر سمیه و دخترم قصیده
که اگر نبودند این کتاب‌ها هم نبودند.

ع.ق.م

در کتاب‌های قبلی هم توضیح دادیم و حالا هم دوست داریم دوباره توضیح دهیم. هی بگوییم و هی بگوییم. کلاً دوست داریم! در صفحات شروع فصل کلماتی را به عمد غلط نوشته‌ایم تا شما قاه قاه بخندید و بخوانید. ما صورت درست کلمه را با یک خط مارپیچ بامزه مشخص کرده‌ایم.

توضیحات



همه‌ی این کتاب به زبان عادی آدمیزادی نوشته نشده است. چون همه‌چیز را جیگیل خان تعریف می‌کند و این بچه‌ی عجیب، زبان خاص خودش را دارد.

در صفحات کتاب هم کلمه‌های جیگیل‌خانی را به قول گفتنی هایلایت کرده‌ایم و کلمه‌ی درست را زیرش نوشته‌ایم. دیدن هایلایت‌ها با خودت و پیدا کردن معنی آن‌ها هم با خودت!

۸۴ جیگیل‌خان - هفت‌بهار - سفرهای دریایی

راستی را بخوانید، برگزینم تا با شما رنگ‌باز کنم و حرف بزنم. بهی، رنگ‌باز درباری چی؟ صبر کنید، می‌فهمید می‌خواهم آن قدر حرف بزنم و حرف بزنم و حرف بزنم که راحت و سبک بشوم و بار سنگین این همه کار را زمین بگذارم.

خب، از کجا شروع کنم که دلم نسوزد؟ از اولش نمی‌گویم، از قبل اولش می‌گویم. یعنی قبل خال زنبیل شما چند ساعت قبل خال زنبیل کجا هستید؟ بقیه کجا هستند؟ دور سفرهای تپ‌چین نشسته‌اند؟ در انتظار بیرنگ چینی؟ آغاز سال جدید؟ یا...

شاید هم در مسافرت کنار ساحل دریا، وسط یک دارت سنگری کنار یک مهندس کارچین، شاید وسط دریا روی هشتی، توی صداوسیما روی آسمان، بالای ابرها و شاید جاهای دیگر و کنار آمده‌های دیگر.


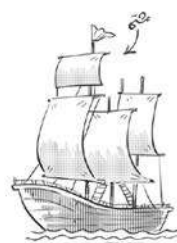
روزگار
مجموعه‌ی تاریخی
کتاب

۸۵ جمع‌کننده برید، می‌خالی بزرگ‌شماره جلد سوم

فقط این را می‌بینم که هر جا هستید و دیگران هستند در انتظار سال چند به سر می‌برید و می‌برند، اما ما چی؟ ما کجا بودیم؟ حدس بزنید. دور سفرهای تپ‌چین کار هم؟ نه، کنار سواحل لوتولوو؟ نه، وسط سنگرهای حلزون؟ نه، توی سینما در حال تماشای فیلم؟ نه، خودم بگویم، خسته شدید؟ خودم بگویم؟ باشند می‌گویم، فقط خیلی تعجب نکنید. ما توی دیوارچینستان بودیم، به توی یک دیوارچینستان، همین اول کاری یک چیزی بگویم و خیالتان را راحت کنم. نه آقا بزرگ حالش بد بود، نه نه‌چون، نه آنچه سمیه و نه داداش جاوید ونه بابا و مامان! البته مامان یک کمی ویوش بود، یعنی داشت بابا خسته شدم این قدر ظرف زدم، اجازه بدهید چند قلب از این آمیوه توی میشه بدیدیم بخورم جان تیرم، قلب قلب قلب، به من هنوز با میشه دیر آمیوه می‌خورم، خوگرمزه است.

لذت هم می‌برم، اصلاً می‌خواهم تا آخر عمر با میشه دیر همه چیز بخورم، اصلاً... به من عصیان هستم.

خونخو
بیرنگیان

دید به سر می‌برید و دور سفرهای تپ‌چین؟ نه، سنگرهای حلزون؟ نه، خسته شدید؟

«سفرهای تپ‌چین» یعنی چه؟ به خدا سوگند نمی‌گویم، کمی صبر کنید! به زودی معنی همه‌ی کلمه‌های عجیب را خواهید فهمید و یا اعصابتان حسابی خرد می‌شود یا هارهار می‌خندید! شاید هم هر دو.

جناب جیگیل‌خان اصرار دارد مانند جلد‌های قبلی معنی کلمات را پاک کند. اگر کلمه‌ای دیدید که معنی‌اش را نمی‌دانید کمی فکر کنید تا یادتان بیاید که کلمه‌ی درست را کجا نوشته بودیم. فکر کنید دیگر!

تاکسی در بست

جیگیل خان، چهار سال بعد / واکسی بی شصت

فصل اول

ادامه: فکس ظالمانه

عکس عاشقانه

دودامه: کم رویی

دست شویی

سه دامه: قوها

بوها

چهار دامه: نه!

جیگیل خان، پنج سالگی / قسم پنچر

فصل دوم

ادامه: دوبچه

حسن کچل

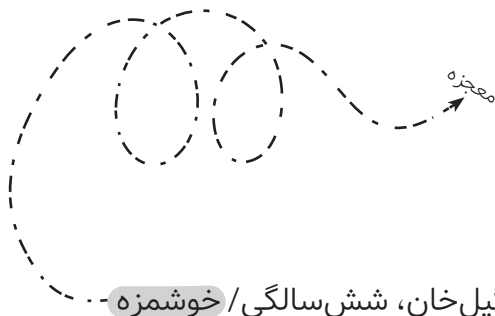
دودامه: پشه زشت عاقل

سوپر استار کامل

سه دامه: شجاع ساختنی

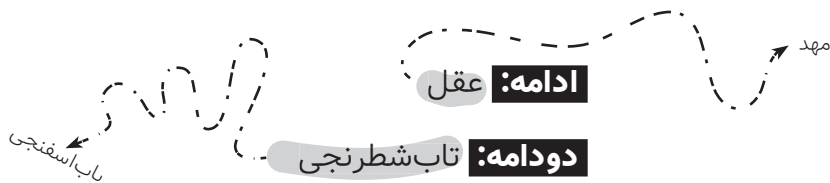
کلام بافتنی

دو چرخه



فصل سوم

جیگیل خان، شش سالگی / خوشمزه



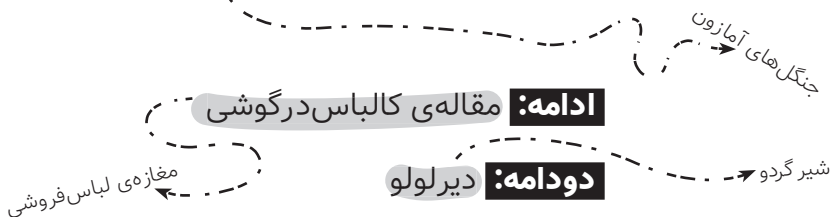
ادامه: عقل

دودامه: تاب شطرنجی

باب اسفنجی

فصل چهارم

جیگیل خان، هفت سالگی / سنگرهای حلزون



ادامه: مقاله‌ی کالباس درگوشی

دودامه: دیرلولو

مغازه‌ی لباس فروشی

جنگل‌های آمازون

سه‌دامه: سلام مهمان

چهاردامه: گاه‌گاهی



ستاد بحران

ماع‌ماعی

آقا بزرگ

من



شخصیت‌ها

یک تعریف‌کن حرفه‌ای و دقیق که درباره‌ی هر چیزی که می‌بیند و نمی‌بیند، می‌نویسد و البته تعریف می‌کند. همه‌چیز را هم با جزئیات کامل می‌گوید و... فقط... فقط... بعضی کلمه‌ها را، بعضی کلمه‌ها را، اشتباهی تلفظ می‌کند. فقط همین.

بابا

یک حرف‌گوش‌کن بی‌چون‌وچرا. هر کس هر چیزی بگوید اول گوش می‌دهد، بعد قبول نمی‌کند، یعنی قبول می‌کند. یک قبول‌کن بی‌نظیر. مخالف همه‌چیز قبل از گفتن و موافق همه‌چیز بعد از گفتن.



آبجی
سمیه

مامان

مثل بیشتر مامان‌های دنیا یک‌کم زیادی مراقب و نگران است. آن‌قدر حواسش به ما است که گاهی وقت‌ها خودش را فراموش می‌کند، یوگا، مهمانی‌های زنانه، آرایشگاه و... را دوست دارد.



یک پدر بزرگ واقعی و دوست داشتنی. یک پیشگوی درست و حسابی. هر چه می گوید عکس آن اتفاق می افتد و نمی شود که بشود. یک بزرگ فامیل به معنای حقیقی. کم خنده و پراخم. با جذبه و پرهیت و پرسبیل.



ننه جون



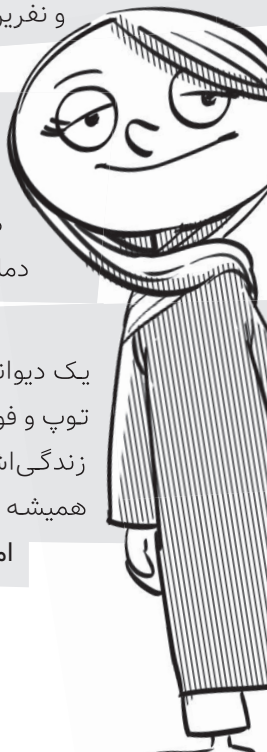
پرنفرتین ترین ننه ی روی زمین. با همان سرعتی که نفرین هایش می گیرد، با همان سرعت هم با دعاهایش آن ها را خنثی می کند. خدا نکند عصبانی شود و نفرین کند. خدا نکند.

اولین آجی غیر حسود دنیا. غیر لجاجز، غیر خسیس. یک آجی درست و حسابی که عاشق تلویزیون است و سینما و تئاتر و بازیگری و هنرپیشگی. خوشگل، خوش پوش و کمی از دماغ فیل افتاده.



داراس جاوید

یک دیوانه ی توپ. خوره ی فوتبال. همه ی زندگی اش در توپ و فوتبال بالا و پایین می شود. اصلاً فوتبال همه چیز زندگی اش نیست، خود زندگی اش است. همیشه کچل، همیشه پرعرق، همیشه بدبو اما دوست داشتنی.



فصل اول



جانمی جان، من چهارساله شدم. به چهارسالگی رسیدم. این خلوص نیت شمیم و بزرگ را به همه‌ی شما رانندگان و خودم تبریک می‌گویم. مبارک همه‌ی ما باشد. این یک سال که در خدمت شما نبودم، با انواع و اقسام بیکاری‌های مختلف و گوناگون رقصیدم و مبارزه کردم تا پیروز شوم و شدم.